





دانشگاه گیلان
دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه حقوق

نحوه انعکاس قضازدایی در جرایم اقتصادی

نگارش :

خدیجه جنگی

ارائه شده جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی

استاد راهنما :

سید حسین حسینی

استاد مشاور :

علی حسین نجفی ابرندآبادی

شهریور ۱۳۹۲

تعهد نامه

اینجانب **خدیجه جنگی** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق - جزا و جرم‌شناسی

دانشکده **علوم اداری و اقتصادی** دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه «نحوه انعکاس

قضازدایی در جرایم اقتصادی» تحت راهنمایی دکتر سید حسین حسینی متعهد می شوم:

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیر گذار بوده اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه ، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه ، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری ، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج ، کتاب، برنامه های رایانه ای ، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد . این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
 - استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد
- متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه های تکثیر شده وجود داشته باشد ..

سپاس‌گذاری

در آغاز، پس از حمد و ستایش درگاه خداوند باری تعالی که مالک هستی است، فرصت را مغتنم شمرده، به رسم ادب و سپاس مراتب قدردانی خویش را از محضر اساتید ارجمندی که در به ثمر رسیدن این پژوهش سهم به سزایی داشتند، ابراز می‌دارم. نخست از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حسینی که با خلوص نیت، سعه صدر و راهنمایی‌های ارزشمند خویش، راه دشوار پژوهش را بر من هموار نموده، نهایت سپاس و قدردانی خود را تقدیم می‌دارم. همچنین از مشاوره‌های علمی و تخصصی و حمایت‌های بی‌شائبه استاد محترم، جناب آقای دکتر نجفی ابرندآبادی، که در نهایت صبوری، عالمانه طی مسیر را برایم هموار نمودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

همچنین سپاس بی نهایت خود را تقدیم می‌کنم به حضور خانواده‌ام، آنان که در تمام مراحل زندگی‌م همواره پشتیبان اهدافم و امید بخش آرزوهایم بودند.

برای این بزرگوران، آرزوی سلامتی و طول عمر، مسالت می‌نمایم.



دانشکده علوم اداری و اقتصادی

چکیده پایان نامه

نام و نام خانوادگی دانشجو: خدیجه جنگی	شماره دانشجویی: ۸۹۲۳۲۳۱۰۱۲
استاد راهنمای اول: دکتر سید حسین حسینی	استاد راهنمای دوم:
استاد مشاور اول: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی	استاد مشاور دوم:
گروه آموزشی: حقوق	رشته تحصیلی: حقوق
گرایش: جزا و جرم‌شناسی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۶/۳۰
تعداد صفحات پایان نامه: ۱۲۱	درجه ارزشیابی پایان نامه:
عنوان پایان نامه: نحوه انعکاس قضا‌زدایی در جرایم اقتصادی	
واژگان کلیدی: قضا‌زدایی، جرایم اقتصادی، تورم کیفری، تخصصی شدن رسیدگی	
<p>چکیده:</p> <p>قضا‌زدایی بنا بر معنای رایج، اشاره به فرایند خروج یا انصراف از صلاحیت تام قضایی در هر مرحله از رسیدگی یا صدور حکم نسبت به برخی از جرایم و تخلفات مشخص و برخوردار از ماهیت اختصاصی دارد. این نهاد از جمله راهکارهای تحدید کننده حقوق کیفری است و از نتایج فکری جنبش دفاع اجتماعی نوین به شمار می‌آید. جریان قضا‌زدایی در جرایم اقتصادی، بیش از هر چیز موجب تراکم‌زدایی کیفری و کاهش کار دستگاه قضایی شده و به دلیل بهره‌گیری از سازو کارهایی که عموماً مبتنی بر دخالت افراد غیر قضایی است، مشارکت نهادهای اجتماعی و اداری را تقویت می‌کند و هزینه‌های دادرسی و محکومیت افراد را، هم برای افراد جامعه و نیز برای دولت کاهش می‌دهد. در نظام حقوقی ایران جلوه‌های عینی این نهاد در تشکیل مراجع موسوم به شبه قضایی مانند سازمان تعزیرات حکومتی و شورای رقابت و نهادهای غیر قضایی نظیر</p>	

هیأت‌ها و کمیسیون‌های دورن سازمانی قابل مشاهده است. باید توجه نمود که هر چند به کارگیری قضازدایی و واگذاری رسیدگی به برخی از تخلفات اقتصادی به مراجع مذکور به دلیل ماهیت فنی و اختصاصی آن‌ها و فقدان توانایی لازم مراجع دادگستری برای رسیدگی و صدور احکام متناسب، امری شایسته به نظر می‌رسد، اما اشکالات اصولی نیز بر آن وارد است. اگرچه قانون‌گذار داخلی بدون ارائه پاسخ مناسب به اشکالات مذکور در این خصوص، و بویژه به منظور دستیابی به اهداف موردنظر در اصل ۴۴ و تحقق بسترهای حقوقی خصوصی‌سازی، نظر به لزوم استفاده از این راهکار داشته است.

امضا استاد راهنما

فهرست مطالب

مقدمه	۱۲
بیان مسئله:	۱۲
ضرورت انجام تحقیق:	۱۳
پیشینه تحقیق:	۱۳
فرضیه‌های تحقیق:	۱۴
روش انجام تحقیق:	۱۵
موانع و محدودیت‌ها:	۱۵
ساختار تحقیق:	۱۶

بخش اول: قضازدایی در جرایم اقتصادی از منظر رویکردهای نظری و شکلی

فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱۹
مبحث اول: واژه شناسی و مفهوم شناسی	۱۹
مبحث دوم: خاستگاه قضازدایی	۲۲
مبحث سوم: نسبت قضازدایی با عنوان‌های مرتبط	۲۵
گفتار اول: جرم‌زدایی	۲۵
گفتار دوم: کیفر زدایی	۲۶
مبحث چهارم: رویکرد قضازدایانه در نظریات جرم‌شناسی	۲۸

- ۲۸ ----- گفتار اول: نظریه الغاء‌گرایی و عدم مداخله کیفری
- ۲۹ ----- گفتار دوم: نظریه جرم‌انگاری حداقلی
- ۳۰ ----- گفتار سوم: نظریه جرم‌شناسی تعامل‌گرا
- ۳۱ ----- گفتار چهارم: عدالت ترمیمی
- ۳۳ ----- مبحث پنجم: سازوکارهای قضازدایی در فقه اسلامی
- ۳۴ ----- گفتار اول: اصلاح ذات‌البین
- ۳۶ ----- گفتار دوم: قاعده توبه
- ۳۷ ----- گفتار سوم: نظریه مصلحت
- ۳۹ ----- فصل دوم: جلوه‌های شکلی قضازدایی در جرایم اقتصادی
- ۴۱ ----- مبحث اول: سازمان تعزیرات حکومتی
- ۴۳ ----- مبحث دوم: مراجع اداری
- ۴۴ ----- مبحث سوم: شورای رقابت
- ۴۷ ----- فصل سوم: چالش‌های استفاده از قضازدایی در جرایم اقتصادی
- ۴۷ ----- مبحث اول: اشکال ناشی از اصل تفکیک قوا
- ۵۰ ----- مبحث دوم: فقدان سازوکارهای لازم در قضازدایی ماهوی
- ۵۳ ----- مبحث سوم: تعارض قضازدایی با اصول قانون اساسی
- ۵۶ ----- مبحث چهارم: نقض اصول دادرسی عادلانه

بخش دوم: قضازدایی در جرایم اقتصادی از منظر رویکرد ماهوی

- فصل اول: سیاست کیفری ایران در جرایم اقتصادی ----- ۶۲
- مبحث اول: مفهوم جرم اقتصادی و بازشناسی آن از مفاهیم مشابه ----- ۶۲
- گفتار اول: تفاوت جرایم اقتصادی و جرایم علیه اموال ----- ۶۴
- گفتار دوم: تفاوت جرایم اقتصادی و جرایم مالی ----- ۶۵
- گفتار سوم: تفاوت جرایم اقتصادی و مفسد اقتصادی ----- ۶۶
- مبحث دوم: مبارزه با جرایم اقتصادی در سیاست کیفری کنونی ----- ۶۷
- فصل دوم: مصادیق قضازدایی در جرایم اقتصادی ----- ۷۰
- مبحث اول: تخلفات صنفی ----- ۷۰
- گفتار اول: گران‌فروشی و کم‌فروشی ----- ۷۲
- گفتار دوم: احتکار ----- ۷۳
- گفتار سوم: اقدامات متقلبانه و مزورانه ----- ۷۴
- مبحث دوم: جرایم و تخلفات مالیاتی ----- ۷۶
- گفتار اول: تخلفات مؤدیان مالیاتی ----- ۷۹
- گفتار دوم: تخلفات مأمورین مالیاتی ----- ۸۰
- مبحث سوم: جرایم قاچاق کالا و ارز ----- ۸۳
- مبحث چهارم: تخلفات گمرکی ----- ۹۰
- مبحث پنجم: تخلفات بورس ----- ۹۵

فصل سوم: ضرورت‌های اجرایی شدن قضا‌زدایی در جرایم اقتصادی	۹۸
مبحث اول: لزوم تخصیصی شدن رسیدگی به دنبال تخصیصی شدن جرایم	۹۸
مبحث دوم: تحقق سیاست‌های اصل ۴۴	۱۰۲
مبحث سوم: افزایش سرعت در رسیدگی	۱۰۴
مبحث چهارم: تراکم‌زدایی کیفی از جرایم اقتصادی	۱۰۵
نتیجه‌گیری و پیشنهادات:	۱۱۱
فهرست منابع:	۱۱۵

بیان مسئله:

اگرچه نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف تا حد زیادی متأثر از بینش‌های خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی هستند، اما می‌توان مشترکاتی را در برخی از سیاست‌گذاری‌های حقوقی مشاهده نمود. امروزه آسیب‌های مشابهی در تمام نظام‌های عدالت کیفری محسوس است که شامل بر راه‌حل‌های یکسانی می‌شوند و تفاوت‌های موجود میان این جوامع، تنها اجرایی نمودن آن‌ها را در هر جامعه با تقدم و تأخر روبرو ساخته است. یکی از این راه‌حل‌ها که بیش از هر چیز به منظور رفع بحران ناشی از تورم پرونده‌های موجود در مراجع قضایی مورد توجه قرار گرفته است، بحث قضازدایی^۱ می‌باشد.

قضازدایی به عنوان یکی از استراتژی‌های عقب‌نشینی حقوق جزا، اشاره به راهکارهایی دارد که به منظور شبه قضایی نمودن یا توسعه اداری کردن امر قضایی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. رکن اصلی در چنین رویکردی تغییر طبیعت امور قضایی از عنوان‌های مجرمانه به تخلفات و امور ممنوع به منظور سرعت و سهولت بخشیدن به رسیدگی‌ها و تخصصی نمودن آن‌ها است.

نسبت به جرایم اقتصادی اگرچه رویکرد کلی همانند سایر مباحث نظام عدالت کیفری، عموماً بر پیشروی کیفری از طریق توسل گسترده به ابزار جرم‌انگاری است، اما می‌توان ردپای تمایل در به کارگیری قضازدایی را در برخی از حوزه‌های مربوط به این مباحث مشاهده نمود. عمده حوزه‌های کاربردی در این زمینه، مربوط به دسته‌ای از جرایم اقتصادی است که فاقد ماهیت پیچیده قضایی هستند و قانون‌گذار نظام اداری و انتظامی موجود را دارای ابزارهای کافی در رسیدگی به آن‌ها تشخیص داده است. تخلفات و جرایم مربوط به نظام صنفی و مالیاتی، بورس و دسته‌ای از جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز و گمرک را می‌توان برجسته‌ترین این حوزه‌ها دانست.

در تدوین اثر حاضر سعی نگارنده بر آن قرار گرفته است که ضمن بررسی اجمالی از کلیات قضازدایی، به تفصیل مباحث مربوط به نحوه انعکاس قضازدایی در جرایم اقتصادی پیش‌گفته بپردازد.

^۱ - Diversion

ضرورت انجام تحقیق:

تراکم شدید دعاوی در مراجع قضایی که به دنبال افزایش عنوان‌های مجرمانه، کمبود دادرس و اطلاع رسیدگی‌های قضایی بویژه در حوزه جرایم کیفری بوقوع پیوسته است، قانون‌گذاران کشورهای مختلف را به ارائه راهکارهایی به منظور بهبود کارایی دستگاه قضایی و تجدید نظر در سیاست تقنینی وادار ساخت. از میان انواع پیشنهادات موجود در زمینه کاهش تورم قضایی، بحث قضازدایی به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارها مورد توجه است.

دلیل برگزینش این رویکرد در مناسبت با جرایم اقتصادی افزون بر اوصاف منحصر به فرد این جرایم، ویژگی خاص جرایم اقتصادی است که برخاسته از ماهیت فنی و تخصصی مرتکبین آن‌ها است و همین امر به این جرایم ماهیتی غیر قضایی بخشیده است. این نکته، بویژه از آن جهت مورد توجه است که دستگاه قضایی در شرایط کنونی فاقد سازوکارهای علمی و فنی لازم در کشف و رسیدگی به این جرایم است و در امر پیشگیری و مبارزه نیازمند به بهره‌گیری از تخصص نظام اقتصادی و مالی است.

هرچند جریان قضازدایی، پیشنهادی برای تراکم‌زدایی در جرایم خرد است تا از این طریق فرصت مقتضی برای دستگاه قضایی به منظور بررسی دقیق جرایم مهم فراهم آید، اما به نظر می‌رسد که لزوم دخالت و اظهار نظر کارشناسان در بررسی جرایم کلان اقتصادی ضرورتی غیر قابل انکار است. از این رو، با عنایت به ماهیت بحث قضازدایی که امکان دخالت اشخاص غیر قضایی را به موجب خروج رسیدگی از الزامات و محدودیت‌های نظام قضایی فراهم می‌سازد، شاید بتوان از امتیازات این نهاد سود جست و موجبات درگیری متخصصان اقتصادی و مالی را در این حوزه فراهم نمود.

پیشینه تحقیق:

اگرچه بحث پیرامون جرایم اقتصادی یکی از اساسی‌ترین مباحث حقوق کیفری را در وضعیت کنونی تشکیل می‌دهد، اما آثار موجود صرفاً محدود به ذکر مصادیق و گاه تحلیل سیاست جنایی اتخاذ شده به صورت کلی و یا به صورت اخص نسبت به جرایم گزیده‌ای از این حوزه می‌باشد. مباحث موجود پیرامون قضازدایی نیز عموماً متضمن ارائه تعریف، ذکر مبانی و بیان مصادیق به صورت کلی است. از این رو استقرار نگارنده در یافتن اثری با رویکرد تحلیلی قضازدایی در جرایم اقتصادی با موفقیت روبرو نشد. مع الوصف برخی از مهم‌ترین منابع قابل بررسی در این حوزه را می‌توان به شرح زیر نام برد:

-معاونت آموزش قوه قضائیه، سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی، انتشارات جاودانه

-آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت

-نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، انتشارات جنگل جاودانه

-دلماش مارتی، می ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج

۱ و ۲، انتشارات میزان

-گسن، ریمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، انتشارات میزان

-مهدوی‌پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، انتشارات میزان

فرضیه‌های تحقیق:

(۱) بهره‌گیری از نتایج مثبت قضازدایی، صرفاً در جرایم خرد متصور است. این مسئله به

خوبی از بررسی بکارگیری این سیاست در قبال برخی جرایم و تخلفات اقتصادی نظیر تخلفات صنفی، قابل دریافت است.

(۲) در تشکیل مراجع شبه قضایی، مواردی مغایر با اهداف شکل‌گیری این سازمان‌ها مشاهده می‌شود. اعطای صلاحیت‌های کیفری و صدور حکم به مجازات در برخی از این مراجع امری خلاف مصلحت و اهداف موردنظر از قضازدایی است.

(۳) توجه روزافزون به درآمدهای مالیاتی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و نیز ضرورت انتظام بخشی به نظام اقتصادی، گویای آن است که بکارگیری قضازدایی در این گروه از جرایم اقتصادی و نیز جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز فاقد هماهنگی با اهداف موردنظر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌باشد.

(۴) اتخاذ این رویکرد در نظام حقوقی ایران به صورت محدود و از جمله در برخی از تخلفات اقتصادی مشاهده می‌شود. البته کاربرد این سیاست گاه از شروط اساسی اجرای آن دور مانده است

روش انجام تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای است. در نگارش اثر حاضر، از انواع منابع نوشتاری از جمله کتاب‌ها، مقالات، تقریرات، گزارشات و نشست‌ها و در برخی از موارد از پایگاه‌های اینترنتی استفاده شده است.

در این پایان‌نامه دو شیوه توصیفی و تحلیلی در مقام تجزیه و تحلیل مباحث برگزیده شده است. با این توضیح که نخست اطلاعات توصیفی مورد نیاز درباره موضوع مورد مطالعه ارائه شده است تا تصویری روشن از مسئله مورد بحث بدست آید. سپس با تحلیل اطلاعات حاصل شده، تلاش شده است تا ابهامات و خلأهای موجود پیرامون این بحث مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

موانع و محدودیت‌ها:

در نگارش این اثر نگارنده با دشواری‌های چندی مواجه گردید. از جمله مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

-تشتت قوانین و پراکندگی مقررات تصویبی و اصلاح شده مورد نیاز که دست‌یابی نگارنده را به قانون متأخر و لازم‌الاجرا با دشواری فراوان روبرو ساخت.

-جدید بودن موضوع تحقیق بویژه در نظام حقوقی داخلی و کمبود پژوهش‌های پیشین در خصوص بحث مورد نظر

-برداشت‌های متفاوت و گاه متعارض از مفهوم بحث در آثار موجود

-در دسترس نبودن برخی از منابع مورد نیاز در مشهد

ساختار تحقیق:

در پژوهش پیش‌روی مطالب بیان شده در قالب دو بخش ارائه شده است. بخش نخست مشتمل بر پنج فصل بوده و در ضمن آن‌ها افزون بر کلیات و مفهوم شناسی، مباحثی در خصوص ملاک‌های نظری قضازدایی در ضمن برخی نظریات جرم‌شناسی و نیز عناوین مرتبط با آن مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین در این بخش مهم‌ترین سازمان‌های شبه قضایی و غیر قضایی در خصوص جرایم اقتصادی مورد بررسی واقع شده و چالش‌های بکارگیری چنین کاربردی مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دوم نیز سیاست کیفری کنونی در کاربرد قضازدایی نسبت به خصوص جرایم اقتصادی، به منظور بررسی ماهوی قضازدایی در این دسته از جرایم، در سه بحث مورد توجه قرار گرفته و به ترتیب به بررسی سیاست کیفری ایران در این جرایم، معرفی مصادیق قضازدایی در حوزه جرایم اقتصادی و بیان ضرورت‌های آن پرداخته شده است.

بخش اول:

قضازدایی در جرایم اقتصادی از منظر

رویکردهای نظری و شکلی

در سده‌های اخیر مسئله کیفیت رسیدگی‌های قضایی به عنوان یکی از جدی‌ترین مباحث در راستای عدالت کیفری در نظام‌های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. امروزه تراکم کار مراجع دادگستری و رشد روز افزون پرونده‌های ارجاعی به این مراجع، در کنار کمبود نیروی انسانی و نیز عدم تخصص قضات نسبت به برخی از جرایم تخصصی و در برخی موارد مشکلات مالی، مهم‌ترین دلایل بر کاهش محسوس دقت نظر در دادرسی‌های قضایی معرفی می‌شوند.

در این میان راه‌حل ارائه شده در جهت مقابله با تورم کار مراجع دادگستری به راهکارهایی به منظور عقب‌نشینی حقوق کیفری اشاره دارد. قضاودایی به عنوان یکی از استراتژی‌های مورد نظر در این راهبرد به دنبال حذف یا تحدید مداخله‌های مقامات قضایی در دعاوی با ماهیت تخصصی، اجرایی و اداری است. این اندیشه بویژه در دهه‌های اخیر به سرعت توسعه یافته و نظام قضایی ایران نیز از آن غافل نمانده است. تحقق این سیاست در حوزه جرایم اقتصادی با تشکیل برخی سازمان‌ها و مراجع شبه قضایی و گاه غیر قضایی در برخی از دعاوی مربوط به این حوزه مورد توجه قرار گرفته است. این حوزه که محور بحث در اثر حاضر را تشکیل می‌دهد، بیش از همه به چگونگی کاربرد قضاودایی و ویژگی جرایمی که قابلیت بهره‌گیری از اثرات آن را دارند، مربوط است، بویژه آنکه دستیابی به اهداف اقتصادی مورد نظر از خصوصی‌سازی که به صراحت در اصل ۴۴ ق.ا بیان شده است، به عنوان سند چشم‌انداز جامعه، صلاحیت مطلق نظام قضایی و دخالت تام نظام عدالت کیفری را بر نمی‌تابد.

رویکرد این نهادها در رفع خصومت و فصل دعاوی، اصولاً مبتنی بر راهکارهایی است که درگیری طرفین دعوی را با نظام قضایی به حداقل ممکن کاهش دهد و یا به طور کلی از آن صرف نظر نماید.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

ایجاد نظم در جامعه تا حدود زیادی بستگی به اتخاذ تدابیر مناسب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... دارد و تحقق این مهم منوط به پایه‌ریزی سیاست‌گذاری صحیح و آگاهانه همراه با قاطعیت و تدبیر در اجراست. در این میان تدوین اصول راهبردی در حوزه نظام عدالت کیفری که از آن تحت عنوان «سیاست جنایی»^۱ نام برده می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه برخلاف رویکرد کلاسیک، مفهوم سیاست جنایی تنها در چارچوب حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری نمی‌گنجد، بلکه در یک طرح و استراتژی کلی، یعنی چارچوب سیاست اجتماعی یک کشور معین قرار می‌گیرد که در آن ابزارهای کیفری تنها روش‌های برگزیده به شمار نمی‌آیند.

مبحث اول: واژه شناسی و مفهوم شناسی

امروزه بسیاری از کشورها با مسائل مهمی در اجرای عدالت کیفری روبرو هستند. این مسائل، از یک سو به دلیل تحول گسترده و سریع شرایط اجتماعی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در هماهنگی با این تحولات و از سوی دیگر، به دلیل تغییر در مفهوم و آگاهی از برخی از این مسائل و اتکای نظام عدالت کیفری بر تعاریف سنتی، پدیدار گشته است. این در حالی است که مسئولیت‌های کنونی نظام عدالت کیفری آن‌چنان گوناگون و گسترده است که ظاهراً اجرای آن‌ها به گونه‌ای رضایت بخش و به طور مطلق، امکان ناپذیر است (گروهی از نویسندگان شورای اروپا، [گانشا] ۱۳۸۴، ۱۸۳). از همین رو، برخی از صاحب‌نظران ضمن تأکید بر ضرورت حضور حقوق کیفری به عنوان عامل مهم حفظ نظم، در عین حال بیان می‌دارند که توسل به ابزارهای کیفری تنها عامل کنترل بزهکاری در جامعه نیست و در ورای آن به نظام‌های کنترل فراگیری نظیر خانواده، کلیسا، نهادهای اجتماعی و... اشاره می‌کنند. در چنین شرایطی، کنار گذاشتن یا تقسیم برخی از وظایف می‌تواند بر کارایی نظام عدالت کیفری در تمرکز بر بخش‌های حیاتی که اجرای عدالت در آن‌ها نیازمند به برخورداری از بالاترین میزان دقت است، کمک کند. از این رو، بحث پیرامون پیش‌بینی ابزارهای مهارکننده گسترش نظام عدالت کیفری در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت و راهکارهای چند گانه‌ای به عنوان راهبردهای عقب‌نشینی حقوق جزا پیشنهاد شد. از میان راهکارهای فوق‌الذکر «قضازدایی» به عنوان یکی از ابزارهای تحدید دامنه نظام کیفری و با هدف

^۱-Criminal policy

تحقق نتایجی که در ادامه مباحث خواهد آمد، در دستور کار سیاست‌گذاری‌های قانونی و قضایی قرار گرفت.

قضازدایی ترکیبی اضافی و متشکل از دو واژه قضا و زدایی است. قضا در لغت در معانی فراوانی بکار رفته است که فرمان، حکم، رأی دادن و به حاجت رسیدن از جمله این معانی است (دهخدا، ۱۳۳۴، ۳۳۶).

در اصطلاح نیز قضا به معنی دادرسی و صدور رأی در امور جزئی است، خواه برای فصل خصومت باشد یا در مصالح عامه باشد مانند امور حسبی (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲۹۲۷).

زدودن نیز مصدر است و به معنی زاییدن، پاک کردن و دفع کردن است (دهخدا، ۱۳۳۴، ۳۰۴).

به لحاظ اصطلاحی قضازدایی عبارت است از سازوکاری که در جهت محدود نمودن صلاحیت‌های دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰، ۹۰). از این رو برخی در تعریف قضازدایی گفته‌اند: «قضازدایی عبارت از خروج عملیات مربوط به رسیدگی و قطع و فصل دعاوی ناشی از جرم کیفری از مدار عدالت کیفری است که معمولاً در صلاحیت مقامات قضایی است و به شیوه‌های گوناگون مؤاخذه پلیس، میانجی‌گری، مصالحه و ... صورت می‌گیرد.» (گسن، ۱۳۷۰، ۴۴)

در حقیقت قضازدایی مفهومی ایدئولوژیک است که بر منحصر نبودن صلاحیت دستگاه قضایی در مبارزه با تبه‌کاری مبتنی است. توسل به این روش به صورت غیر رسمی و از راه اعمال اختیارات اداری در جریان رسیدگی به پرونده و نیز با پیاده کردن طرح‌های رسمی صورت می‌گیرد. این طرح‌ها به هدف‌گیری گروه‌های خاصی گرایش دارند. در این میان، جریان قضازدایی بیش از همه در رسیدگی‌های مربوط به جرایم اطفال و نوجوانان، به عنوان راهکاری مطلوب مورد توجه قرار گرفت و فراتر از آن در اسناد بین‌الملل به عنوان مبنایی جدی در حوزه حقوق بشر مطرح شده است. در این زمینه قضازدایی از یک هدف آموزشی و حمایتی در خصوص ارتقاء و بهبود وضعیت نوجوانان برخوردار است (Morris. ۲۰۰۸. ۲۰۵).

به عنوان مثال، در کوئیزلند در خصوص مجرمان نوجوان و جوان تا حد زیادی از مدل‌های عدالت ترمیمی استفاده می‌شود. در حقیقت بر حسب سن مجرم، سابقه و شرایط وقوع جرم ممکن است روشی با کم‌ترین میزان برخورد نظیر اخطار و تذکر برگزیده شود. چنین روشی عموماً برای برای بار اول یا برای

جرایم جزئی و کم‌اهمیت به کار می‌رود. رویکردهای مشابه این مورد را می‌توان در سیستم نیوزلند و هنگ‌کنگ نیز مشاهده نمود (Wing Lo, Maxwell, Wong. ۲۰۰۶.۱۰-۱۱).

بنابراین مهم‌ترین اثر قضازدایی، خارج کردن فرد مظنون از فرایند رسیدگی قضایی کیفری است و بنابر مفهوم گسترده‌ای که امروزه مورد نظر است، در هر مرحله‌ای از جریان رسیدگی می‌تواند صورت پذیرد. در حقیقت برداشت کنونی از قضازدایی برخلاف معنای ابتدایی آن شامل بر جریان آن در مرحله قبل از ارائه اتهام، یا بعد آن و حتی در مرحله صدور حکم و محکومیت است (Wilson, Hong. ۲۰۱۳.۵۰۰).

بر این اساس قضازدایی ممکن است در چارچوب اجتناب از درگیر شدن افراد در فرایند عدالت کیفری از طریق تدابیری چون اخطار پلیس یا صرف نظر کردن کامل از تعقیب صورت گیرد. در مرحله بعد چنانچه فرد به هر دلیل درگیر فرایند کیفری شود، تلاش می‌شود از ادامه این مسیر به واسطه تدابیری چون سازش و میانجی‌گری جلوگیری شود. در نهایت هرگاه حضور در روند دادرسی کیفری منجر به صورت حکم شود، بهره‌گیری از راهکار قضازدایی در قالب ابزاری به منظور جلوگیری از اجرای مجازات متصور است. برای این منظور توسل به اقداماتی چون تعویق صدور حکم، تبدیل حبس به جزای نقدی و نظایر آن‌ها راهگشاست (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ۱۰۳؛ سلطانفر، ۱۳۸۳، ۲۰۲).

البته باید یادآور شد که جریان قضازدایی در هر یک از مراحل مذکور نسبت به افراد برخوردار از شرایط مشابه صورت نمی‌پذیرد بلکه میان افرادی که از قضازدایی ابتدایی و قبل از ورود به سیستم عدالت کیفری بهره‌مند می‌شوند و کسانی که در روند دادرسی یا پس از صدور حکم مشمول این سیاست جایگزین می‌گردند تفاوت‌های چندی وجود دارد که مهم‌ترین آن در خصوص نوع اقدام مجرمانه و میزان اهمیت آن است (Lattimore, Broner, Sherman, Frisman and Shafer. ۲۰۰۳.۴۲).

به طور کلی ظهور قضازدایی در غرب از دو دیدگاه توسعه یافته متأثر است که یکی بر جنبه‌های نظری و ذهنی تکیه دارد و دیگری آن را برای رفع مشکلات اجرایی و عینی مورد توجه قرار داده است. برخی قضازدایی را مخصوصاً در دنباله توسعه نظریه «داغ باطله زدن» مطرح کرده‌اند و گفته‌اند: «در واقع اگر براساس این نظریه بزهدار از ناکره بزه بر اثر عمل خود متمایز نیست و فقط در پی یک فرایند دادگستری کیفری بزهدار شناخته می‌شود، کار اساسی این است که او را از این سیستم رهانید...» (گسن، ۱۳۷۰، ۴۵) در مقابل برخی دیگر سبب توجه به اندیشه قضازدایی را افزایش چشم‌گیر پرونده‌ها در مرحله تعقیب و با هدف تراکم زدایی در دادگاه‌ها دانسته‌اند (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۵۳).